

حفظ دین و راهکارهای عملی آن در شریعت اسلامی

الطرق العملية لحفظ الدين في الشريعة الإسلامية

Preservation of Religion and Its Practical Strategies in Islamic Shariah

İslâm Hukuku'nda Dinin Muhafazası ve Ona Yönelik Pratik Yöntemler

عبدالواحد جهيد*¹ صالح محمد اختر خیل²

چکیده

حفظ دین از مهم ترین مقاصد شریعت اسلامی بوده که هدف آن تأمین سعادت و فلاح انسان ها در دنیا و آخرت است. دین شامل عقیده، عبادت، اخلاق و احکامی است که زندگی فردی و اجتماعی انسان را تنظیم می کند. بدون حفظ دین، انسان به سعادت و فلاح در دنیا و آخرت نائل نمی شود. تحقیق حاضر که با روش کیفی- تحلیل محتوی نصوص شرعی، مرتبط با موضوع تحقیق انجام شده، به دنبال دریافت راهکارهای عملی شریعت اسلامی، پیرامون حفظ دین است. مهم ترین نتایج این تحقیق، این است که دین از طریق عمل به اوامر شرعی و اجتناب از نواهی آن، محفوظ می ماند. در نبود دین، تمام امور نابود شده، معیارهای عادلانه تشخیص صلاح و فساد برهم می خورد، مردم از خواهشات پیروی می کنند. تمام جوانب ذی دخل در امور دین مکلف به حفظ دین اند. ضمانت های اجرایی حفظ دین بر خواسته از خصوصیت های آن، مانند عمومیت و مروت، تطابق با زمان و مکان، تأمین مصالح بشری، جوابگویی به نیازهای انسانی، واقع نگری و حفظ آن از جانب الله تعالی و نقش پیامبر صلی الله علیه و سلم، خلفای بعد از او و امیران مسلمان در ابلاغ و گسترش دین است. راه های حفظ دین، عبارت از عمل به مقتضا و تطبیق دین، اقامه حدود، عدم کتمان دین و دعوت به سوی آن، جهاد و مبارزه برای دفاع از دین و دین داران، تحریم معاصی، دفع شبهات و اعتراضات علیه دین است.

کلمات کلیدی: حفظ دین، راهکارهای حفظ دین، شریعت اسلامی، ضمانت های اجرایی حفظ دین، مقاصد شریعت.

DOI:

<https://doi.org/10.69892/diwan.2025.120>

مقاله تحقیقی / Research Article

تاریخ دریافت / Received Date

05.02.2025

تاریخ قبول / Accepted Date

02.03.2025

تاریخ نشر / Publication Date

22.07.2025

¹ پوهاند، دکتور، دیپارتمنت فقه و عقیده، پوهنچ علوم اسلامی پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، کابل، افغانستان.

² پوهندوی، دکتور، دیپارتمنت فقه و عقیده، پوهنچ علوم اسلامی پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، کابل، افغانستان.

ORCID

[0009-0009-6666-3652](https://orcid.org/0009-0009-6666-3652)

[0009-0007-8963-9546](https://orcid.org/0009-0007-8963-9546)

E-Mail

Jaheed90@gmail.com

khil@145gmail.com

این مقاله توسط نرم افزار تورنیتین Turnitin بررسی شده Plagiarism یا سرقت ادبی ثبت نگردید.

This article has been scanned by Turnitin. No Plagiarism detected.

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی/ Citation :

عبدالواحد جهيد - صالح محمد اختر خیل، "حفظ دین و راهکارهای عملی آن در شریعت اسلامی"، مجله دیوان ۲/۶ (سرطان ۱۴۰۴)، ۳۷-۶۴.

Abdul Wahid Jaheed – Salih Mohammad Akhtar Khil "Preservation of Religion and Its Practical Strategies in Islamic Shariah", Diwan Journal 6/2 (July 2025), 37-64.

الملخص

إن من أهم مقاصد الشريعة الإسلامية هو حفظ الدين، لأنه يهدف إلى تحقيق سعادة الإنسان ورفاهيته في الدنيا والآخرة، والدين يشمل العقيدة والعبادة والأخلاق والأحكام التي تنظم حياة الفرد والمجتمع، وبدون أن يكون الإنسان متديناً لا يمكن له أن يصل إلى السعادة والرفاهية لا في الدنيا ولا في الآخرة. وقد تم البحث الحالي باستخدام المنهج النوعي لتحليل محتوى النصوص الشرعية ذات الصلة بموضوع البحث حسب منهج التوصيفي والتحليلي، ويسعى إلى استعراض الطرق العملية في الشريعة الإسلامية لحفظ الدين، ويتخلص أهم نتائج هذا البحث في أن حفظ الدين يمكن من خلال الالتزام بأوامر الشرع واجتناب نواهيها، وإذا ضاع الدين تختل المعايير العادلة لتحديد الصالح والفساد، وسيتبع الناس شهواتهم النفسية. وتشمل الجهات المكلفة بحفظ الدين جميع الجوانب المتعلقة بأمور الدين، وتضمن حفظ الدين وخصائصه مثل: الشمولية، والمرونة، وتوافقه مع الزمان والمكان، وتحقيقه لمصالح البشرية الجمعاء، والاستجابة لاحتياجات الإنسان، والواقعية، وضمان حمايته من الله تعالى، ودور النبي صلى الله عليه وآله وسلم والخلفاء، وأمراء المسلمين في تبليغ الدين ونشره، أهم طرائق حفظ الدين هي: العمل بمقتضى الدين، وتطبيقه، إقامة الحدود، وعدم كتمان شيء من الدين، والدعوة إليه، الجهاد للدفاع عن الدين وأهله، والاجتناب عن المعاصي، ودفع الشبهات عن الدين.

الكلمات المفتاحية: حفظ الدين، طرق حفظ الدين، الشريعة الإسلامية، ضمانات لتنفيذ حفظ الدين، مقاصد الشريعة.

Abstract

The preservation of religion constitutes a fundamental objective (maqṣad) of Islamic Sharia, ensuring the well-being of individuals and the prosperity of society both in this life and the hereafter. Religion encompasses beliefs, worship, values, and laws that govern personal and social conduct. Without the safeguarding of religion, individuals cannot achieve true fulfillment or well-being in either realm. This study employs a qualitative methodology, utilizing content analysis of primary Sharia sources to explore practical strategies for maintaining religion within Islamic jurisprudence. The findings suggest that adherence to divine commands and avoidance of prohibitions are crucial to sustaining a religion. The absence of religion leads to social disorder, the collapse of moral distinctions, and individuals acting solely on personal desires. Thus, religious preservation is imperative at all societal levels. Key characteristics facilitating this preservation include the inclusiveness, flexibility, and adaptability of Sharia to different times and contexts; its alignment with human interests and needs; its realistic approach; divine

protection; and the critical role of the Prophet Muhammad (peace be upon him) and Muslim leaders in transmitting and promoting religious teachings. The study also identifies practical means by which people uphold religion, such as observing religious obligations, enforcing boundaries, openly disseminating religious teachings, engaging in jihad to defend the faith, prohibiting sinful acts, and addressing doubts and objections toward religious doctrines.

Keywords: Preservation of Religion, Methods of Sustaining Religion, Islamic Sharia, Guarantees for Religious Preservation, Objectives of Sharia.

Özet

Dînin muhafazası, İslâm Şer'âtı'nın temel hedeflerinden birini teşkil ederek hem ferdî refahı hem de toplumsal istikrarı dünya ve âhîret boyutlarıyla güvence altına almayı hedefler. Din; inanç, ibadet, ahlakî değerler, şahsî ve sosyal davranışları düzenleyen hükümleri kapsayan kapsamlı bir sistemdir. Dînin korunması olmaksızın, bireylerin her iki dünyada de kemale ermesi veya esenliğe kavuşması mümkün değildir. Bu çalışma, İslâm hukuku çerçevesinde dînin sürdürülmesine yönelik pratik stratejileri keşfetmek amacıyla nitel bir metodoloji benimseyerek temel Şer'at metinlerinin içerik analizine dayanmaktadır. Araştırma bulguları, bireylerin dîni muhafaza etme sürecini ilahî emirlere riayet ve yasaklardan kaçınma yoluyla gerçekleştirdiklerini ortaya koymaktadır. Dînin yokluğunda toplumsal düzen bozulur, hak ile bâtil arasındaki ahlakî ayırım çöker ve bireyler yalnızca kişisel eğilim ve arzularına göre hareket eder. Bu sebeple, dînin muhafazası her düzeyde zarurîdir. Dînin pratik olarak korunmasına katkı sağlayan temel özellikler arasında; kapsayıcılık, esneklik, farklı zaman ve bağlamlara uyum sağlama kabiliyeti, insanın maslahat ve ihtiyaçlarıyla uyum, gerçekçilik, ilahî koruma, Hz. Muhammed (sallallâhu aleyhi ve sellem) ve Raşid halifelerin dînî öğretileri tebliğ ve neşretme rolü yer alır. İnsanların dîn prensipleri tesis ve tatbik etme, dînî vecibelere bağlılık, sınırları gözetme, öğretileri açıkça teşvik etme, inancı ve müminleri savunmak için cihad etme, münkeri yasaklama ve dînî inançlara yöneltilen şüphe ve itirazlara cevap verme gibi çeşitli yöntemlerle dini muhafaza ederler.

Anahtar Kelimeler: Dînin Muhafazası, Dîni İhya Yöntemleri, İslâm Şer'âtı, Dînî Muhafaza Teminatları, Şer'atın Hedefleri.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله الامين و على آله و اصحابه و من تبعه با احسان الى يوم الدين؛ و بعد:

حفظ دین از مهمترین مقاصد شریعت اسلامی بوده که هدف آن تأمین سعادت و فلاح نوع انسان در دنیا و آخرت است. حفظ دین به معنای پاسبانی از اعتقادات و اعمال اسلامی و جلوگیری از تزلزل و انحراف آن است. ^۱الله متعال، تشریع اسلامی را در کنار دیگر مقاصدش، برای محفوظ ماندن دین وضع کرده و راهکارهای متعددی در تشریع اسلامی برای حفظ دین که ملاک همه نیکی‌ها و سرچشمه همه خوشبختی‌ها در آن وضع شده است. امام غزالی (۱۳۳۵ - ۱۴۱۶ ه.ق) ^{رحمه}الله فرموده‌اند: مقصود از وضع شریعت در آفرینش پنج چیز می‌باشد: حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال. هر چیزی که این اصول پنج‌گانه را حفظ کند، مصلحت بوده و هر آنچه این اصول را از بین ببرد، مفسده و دفع آن مصلحت است.^۱

علامه ابن عاشور (۱۲۹۶ - ۱۳۹۳ ه.ق) گفته است: شریعت معصوم و محفوظ است، مقررات آن به گونه تصادفی وضع نشده؛ بلکه تنها مقصد آن تحت سلطه قرار دادن مردم بر امور دینی باشد، شریعت برای تحقق مقاصد شارع و برآورده‌سازی مصالح بندگان در دنیا و آخرت پایه‌گذاری نموده است. در هر حکم آن، حفظ ضروریات پنج‌گانه (حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال) که اساس عمران هستند و در هر ملت رعایت می‌شوند، مدنظر قرار گرفته است. بدون این‌ها، مصالح دنیا به درستی جریان نمی‌یابد.^۲ دین اسلام شامل عقاید، عبادات، اخلاق و احکام است که زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را تنظیم می‌کند. حفظ دین به معنای حفظ این چهار بعد اساسی و جلوگیری از تزلزل و انحراف در آن‌هاست. بدون حفظ دین، سعادت و فلاح انسان در دنیا و آخرت ممکن نخواهد بود.

حفظ دین مقصد شریعت اسلامی؛ بلکه مقصد همه شرایع الهی بوده است، پیامبران الله ^{متعال} در برهه‌های مختلف از زمان، برای حفظ و اقامه دین فرستاده شده‌اند، در این راه صادقانه جهد و تلاش کرده‌اند. به همین جهت پیروی از دین و ترک خواہشات، مقصد شریعت قرار داده شده است.^۳ از مکلفیت‌های دانشمندان مسلمان است که دین را بیان دارند هیچ حکمی از آن را کتمان

^۱ أبو حامد، محمد بن محمد الغزالي الطوسي، المستصفی (بی‌جا: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۳ ه.ق / ۱۹۹۳ م)، ۱۷۴، محمد مصطفی الزحيلي، الوجيز في أصول الفقه الإسلامي (دمشق: دار الخير للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۷ ه.ق / ۲۰۰۶ م)، ۱۱۳/۱.

^۲ محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر ابن عاشور، مقاصد الشريعة الإسلامية (قطر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، ۲۰۰۴ م)، ۱۲/۱.

^۳ النساء/ ۶۵؛ إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الشاطبي، الموافقات (دار ابن عفان، ۱۹۹۷ م)، ۳۲۸/۲.

نکنند؛ تا در زمره کسانی که ملعونین قرار گرفته‌اند شمرده نشوند.^۴ تلاش‌های معاندین دین در هر زمان و مکانی وجود دارد، به همین جهت حفظ دین و دفاع از ارزش‌های آن به شیوه‌ها و راهکارهای مختلف باید ادامه یابد. در نبود دین، تمام امور نابود شده، معیارهای عادلانه برای تشخیص صلاح و فساد برهم می‌خورد، مردم از خواهشات پیروی می‌کنند.^۵

پیرامون حفظ دین دانشمندان مسلمان از سده‌های اول صدر اسلامی تلاش‌های قابل قدر انجام داده‌اند. موضوع حفظ دین در ضمن کتب حجیم مانند، «البرهان» امام جوینی، «موافقات» امام شاطبی، «المستصفی» امام غزالی، «مقاصد الشریعه» ابن عاشور و... از طرف دانشمندان معاصر همچنان پیرامون این موضوع تلاش‌های انجام یافته است؛ اما موضوع راهکارهای عملی حفظ دین به عنوان یک نوشته واحد را در تلاشی که محقق انجام داد، وجود نداشته و یا حد اقل به آن دست نیافته است، صرف دو مقاله «مقصد حفظ الدین و دوره فی القضاء علی العنف الجامعی» که توسط محترم (احمد حسن الربابعة، استاد جامعة البلقاء التطبيقية، الأردن) تحریر یافته است و مقاله دوم، «فتاوی امام النووی المرعية لمقصد حفظ الدین» که توسط محترم (احمد وفاق بن مختار استاد كلية الشريعة والقانون، جامعة العلوم الاسلامية ماليزية) تحریر یافته است. مقاله اول: بر مقصد حفظ دین به گونه پرداخته است که نقش دین را در جلوگیری از خشونت‌های پوهنتونی به بررسی گرفته است. عمده‌ترین مطالب آن: معرفی مقاصد دین به شکل گذرا و ضمنی با استناد بر احکام شرعی از بُعد ایجابی و سلبی است (مطلبی که اساس آن را می‌تواند از دیدگاه‌های امام غزالی، امام رازی و امام شاطبی و... یافت) بعد به مقصد اصلی مقاله که حفظ دین در کاهش خشونت‌های پوهنتونی را پرداخته است؛ اما مقاله دوم: محقق در این مقاله بعد از مقدمه به معرفی امام نووی، عصر و زمان وی و چگونگی فتاوی ایشان و اهمیت شناخت مقاصد شریعت برای مفتیان و اهل فتوی پرداخته‌اند. دیدگاه‌های بزرگان دین را در این مورد بازگو کرده، سپس بر روش‌های حفظ دین، از بُعد ایجابی، عمل به دین، جهاد برای حفظ دین، دعوت به سوی دین و از جانب سلبی: دفع خرافات و شبهات، منع پیروی از خواهشات و بدعت‌گذاری در دین، منجمله رفتن نزد منجمین و... با تمرکز بر دیدگاه‌ها و فتاوی امام نووی پرداخته است. اقوال دیگر دانشمندان را برای تقویت نظریات امام نووی بکار بسته‌اند. محتوای هر دو مقاله با تحقیق حاضر متفاوت بوده و چنان‌چه در ساختار تحقیق هویدا است.

تحقیق حاضر دارای یک مقدمه، معنی دین، معنی حفظ دین، ضمانت‌های اجرایی برای حفظ دین، راهکارهای عملی حفظ دین و نتیجه‌گیری است. این تحقیق با روش کیفی - تحلیل محتوی

^۴ البقرة ۱۵۹/۲.

^۵ المؤمنون ۷۱/۲۳.

نصوص شرعی، مرتبط با موضوع تحقیق انجام شده، به دنبال دریافت راهکارهای عملی شریعت اسلامی، برای حفظ دین است.

۱. معنای دین

دین یکی از مهمترین مؤلفه‌های تشکیل دهنده شخصیت انسان در تفکر، رفتار و تعامل او با خودش و دیگران است. امام راغب اصفهانی (۵۰۲ ه.ق) گفته‌اند: دین از نظر لغت به معنای طاعت و جزا است و استعارتاً به معنی شریعت استعمال می‌شود. دین، مانند ملت است، از جهت این که معنای طاعت و انقیاد در آن است، به جای شریعت به کار می‌رود.^۶ دین همچنین به معنای طاعت است. گفته می‌شود: «دان له یدین دینا» یعنی او را اطاعت کرد. دین از همین ریشه، گرفته شده است.^۷ ابن فارس گفته است: (دَینَ) یعنی ماده: دال و یاء و نون یک اصل واحد است که تمام مشتق‌های آن به آن باز می‌گردد. در کلمه دین معنای انقیاد و خضوع موجود است.^۸

دانشمندان مسلمان برای دین معانی اصطلاحی مختلف ارائه داشته‌اند. امام تهانوی (۱۱۵۸ ه.ق) گفته است: "دین دستور العمل الله متعال بوده که تکالیف آن متوجه خردمندان است، با اختیار خود آن را بر می‌گزینند تا به صلاح در حال و سعادت در آینده برسند. این دستور العمل شامل عقاید و اعمال می‌شود.^۹ برخی دین را چنان تعریف کرده‌اند: دین چیزی است که خداوند آن را وضع کرده است، به حق در اعتقاد و خیر در رفتار هدایت می‌کند و به خیر دنیا و آخرت منتهی می‌شود."^{۱۰}

پس دین، مجموعه‌ای از عقاید، عبادات و احکام است که خداوند برای تنظیم رابطه انسان‌ها با پروردگار و روابط آن‌ها با یکدیگرشان تشریع کرده است. شارع (الله متعال) با این احکام قصد دارد دین را اقامه کند و آن را در نفوس انسان‌ها تثبیت نماید. این هدف از طریق عمل به اوامر و اجتناب از نواهی حاصل می‌شود.

^۶ أبو القاسم الحسین بن محمد الأصفهانی، المعروف بالراغب، المفردات فی غریب القرآن (بیروت: دار القلم، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ه.ق)، ۳۲۳؛ وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، الموسوعة الفقهیة الكويتیة (الکویت: دارالسلاسل الطبعة الثانیة)، ۴/ ۲۶۵.

^۷ محمد بن أبی بکر بن عبد القادر الحنفی الرازی، مختار الصحاح (بیروت: المكتبة العصریة-الدار النموذجیة، ۱۹۹۹ م)، ۱۱۰.

^۸ أحمد بن فارس بن زکریاء أحمد بن فارس القزوینی الرازی، معجم مقاییس اللغة (بی‌جا: دار الفکر، ۱۹۷۹ م)، ۳۱۹/۲.

^۹ محمد بن علی التهانوی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم (بیروت: مكتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م)، ۸۱۴/۱.

^{۱۰} مجموعة من المؤلفین، الا دیان والمناهج (مالیزیا: جامعه المدینة العالمیة، بی‌تا)، ۲۳-۲۷.

۲. معنای حفظ دین

مقصود از حفظ دین، حفظ اسلام، دین پسندیده الله متعال که آن را آخرین ادیان و متمم نعمت خودش بر بندگان دانسته است. دین دیگری را بعد از آمدن آن مورد پذیرش قرار نمی‌دهد.^{۱۱} حفظ دین با اقامه ارکان آن، مانند اقامه نماز، پرداخت زکات، روزه گرفتن، ادای حج و سایر فرایض اسلام امکان پذیر است. برای تکمیل این امر، شریعت اسلامی عمل به مستحبات و ترک مکروهات را نیز توصیه کرده است. الله متعال برای ایجاد دین، پیامبران را فرستاد و مکلفشان ساخت تا احکام آن را به انسان‌ها ابلاغ نمایند، آن‌ها را به اطاعت و فرمان‌برداری از دین مأمور کرد، برای شرک‌شان از دین مجازات سزاوار حالشان مقرر گردانید. با ایمان داشتن، اقرار به شهادتین، نماز، زکات، روزه و حج حفظ دین را محقق می‌سازند.^{۱۲}

اگر دین از بین برود، تمام امور دنیا نابود می‌شود، معیارهای عادلانه تشخیص صلاح و فساد برهم می‌خورد، مردم از هوا و خواهشات نفسانی پیروی می‌کنند. الله متعال فرموده است: ﴿وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ﴾^{۱۳} "اگر حق از خواهشات آن‌ها پیروی کند، آسمان‌ها و زمین و هر که در آن‌هاست تباه می‌شود". پیروی از خواهشات نفسانی منجر به فساد می‌شود؛ زیرا خواسته‌های نفسانی مردم متفاوت و متضاد هستند و منافع آن‌ها با یکدیگر تعارض دارد. اگر دینی برای تنظیم و سازمان‌دهی زندگی وجود نداشته باشد، هر فردی آنچه را که به نظرش مصلحت است، بر اساس هوای نفس خود انجام می‌دهد و در نتیجه تجاوز به اموال، جان، ناموس و نسب‌ها اتفاق می‌افتد.^{۱۴} این دین باید محفوظ بماند؛ چون سراسر نیکی و مصالح است. دین آسانی، گذشت و سادگی است؛ در تطبیق دین عدالت و برابری؛ محبت و دوستی است؛ دین علم و عمل است، به راه راست هدایت می‌کند. روح آن اخلاص و شعار آن تسامح و برادری می‌باشد.^{۱۵} دلیل اساسی مقصد حفظ دین در قرآن بوده و در سنت نبوی نیز تبیین شده است.^{۱۶}

^{۱۱} آل عمران ۱۹/۳، ۸۵.

^{۱۲} نور الدین بن مختار الخادمی، علم المقاصد الشرعیة (بی‌جا: مکتبة العییکان، ۲۰۰۱ م)، ۸۱.

^{۱۳} المؤمنون ۷۱/۲۳.

^{۱۴} محمد بن أحمد بن أبي بكر القرطبي، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي (القاهرة: دار الكتب المصرية،

۱۹۶۴ م)، ۱۴۰/۱۲؛ الشاطبي، الموافقات، ۴/۲.

^{۱۵} عبد الله بن جار الله بن إبراهيم آل جار الله، كمال الدين الإسلامي وحقيقته ومزايه (المملكة العربية السعودية: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ۱۴۱۸ هـ.ق)، ۵۷/۲.

^{۱۶} أحمد، نظرية المقاصد عند الإمام الشاطبي الريسوني (بی‌جا: الدار العالمية للكتاب الإسلامي، ۱۹۹۲ م)، ۱۶۷؛

حسام العيسوي، مقصد حفظ الدين (رؤية مقاصدية معاصرة)، (شبكة الالوكة تاريخ استفادة: ۱۴۰۳/۱۱/۸ ساعت ۵:۱۳ دقیقه).

۳. ضمانت‌های اجرایی حفظ دین

جهت‌های مکلف بر حفظ دین، در تشریع اسلامی تمام جوانب ذی‌دخل در امور دین‌اند؛ همان‌گونه که اسلام برای سعادت‌مندی تمامی افراد جامعه، از اعلی تا ادنی از حاکم تا رعیت، انسان‌ها، حیوانات و محیط‌زیست آمده است؛ حفظ و پاسبانی از آن مکلفیت همه آن‌ها است. افزون بر این، ضمانت‌های اجرایی زیادی برای حفظ دین وجود دارد که به برخی از آنان اشاره می‌شود.

۱.۳. عمومیت و جامعیت دین

جامعیت خطاب دینی، تکلیف عمومی را در قبال دارد. به این معنا که هیچ حکمی آن به مکلف خاصی اختصاص ندارد، مادامی که شرایط تکلیف موجود باشد و هیچ مکلفی از ورود تحت احکام آن مستثناء نیست. الله متعال فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»^{۱۷} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به‌طور کامل وارد اسلام شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، همانا او دشمنی آشکار شماست»^{۱۸}. دستورات آن مخصوص دنیا و مادیات، فرد و یا جماعت، اقلیم و عنصر خاص نیست؛ بلکه جامعیت به معنی تام کلمه، دربرگیرنده جسم و روح، فرد و جماعت، تمامی اقشار بشر و ملت‌ها و نسل‌های آینده و مسائل متضادی است که عقل و علم بشر تا اکنون به آن دست نیافته است و در آینده‌ها تحقق خواهد یافت، هست. رسالت اسلام عام و فراگیر است.^{۱۹} الله متعال فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^{۲۰} همچنان فرموده است: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا»^{۲۱} احکام دین تأمین‌کننده مصالح همه بندگان بدون استثناء است. هنگامی که رسالت، هدف، منفعت و تکلیف شریعت عمومیت داشته باشد، زمینه‌تعمیل آن عمومیت می‌یابد همه مردم در برابر آن احساس مسؤولیت نموده، زمینه حفظ بقاء و دوام آن نهادینه می‌شود.

دکتر یوسف حامد عالم، گفته است: شریعت اسلامی دارای خصوصیات عمومی بوده که آن را از سایر شرایع متمایز می‌کند. از جمله خصوصیاتش، عمومیت آن بر اساس، زمان و مکان، افراد و

^{۱۷} البقرة ۲/۲۰۸.

^{۱۸} أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تفسیر الطبری = جامع البیان فی تأویل القرآن (بی‌جا: مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۰ م).

^{۱۹} ۲۵۲/۴.

^{۲۰} یوسف حامد العالم، المقاصد العامة للشریعة الإسلامية (الولايات المتحدة الامریکیة: هیرندن، فرجینیا، المعهد

العالمی للفکر الاسلامی، ۱۹۹۴ م)، ۴۲.

^{۲۱} الانبیاء ۲۱/۱۰۷.

^{۲۲} الاعراف ۷/۱۵۸.

ملت‌ها؛ همچنین جمع بین ثبات و انعطاف‌پذیری، شمول رعایت مصالح دین و دنیا و منافع افراد و جامعه است.^{۲۲} این خصوصیات شریعت بر پایا بودن و ماندگاری آن اثر غیرقابل انکار می‌باشد.

۲.۳. تأمین مصالح

دین (شریعت اسلامی) تأمین‌کننده تمامی مصالح و نیازمندی‌های مادی و معنوی همه انسان‌ها است، ابن قیم (۶۹۱ - ۷۵۱ ه.ق) گفته است: شریعت اساس و پایه‌اش بر حکمت و مصالح بندگان در زندگی و بعد از مرگ است، تمامی آن عدالت و رحمت، مصلحت و حکمت است.^{۲۳} هر مسأله‌ای که از عدالت به ظلم، از رحمت به ضد آن، از مصلحت به مفسده و از حکمت به بی‌فایده شدن برود، از شریعت نیست، حتی اگر با تأویل وارد آن شده باشد؛ شریعت عدالت الله ^{متعال} بین بندگان، رحمت او بین خلقتش، سایه‌اش در زمین و حکمت او است که به صدق الله ^{متعال} و رسولش ^{صلی الله علیه و سلم} دلالت می‌کند.^{۲۴} پیامبر ^{صلی الله علیه و سلم} برای تأمین مصالح دین و دنیا توجه داشته و آن را همیشه از الله ^{متعال} در دعاهایش می‌طلبید. *اَللّٰهُمَّ اَصْلِحْ لِيْ دِيْنِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ اَمْرِيْ، وَاَصْلِحْ لِيْ دُنْيَايَ الَّتِي فِيْهَا مَعَاشِيْ، وَاَصْلِحْ لِيْ اٰخِرَتِي الَّتِي فِيْهَا مَعَادِيْ، وَاَجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِّيْ فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاَجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِّي مِنْ كُلِّ شَرٍّ.*^{۲۵} «خدایا، دینم را که اساس کار من است نگهدار، دنیایم را اصلاح کن که در آن زندگی می‌کنم، آخرتم را اصلاح کن که به آن باز می‌گردم، زندگی‌ام را برای کسب هر خیری افزایش ده و مرگ را برایم از هر شری راحت‌تر قرار ده. این دعای مأثور، از جوامع کلم پیامبر ^{صلی الله علیه و سلم} است و هدفش درخواست خیر دنیا و آخرت است. تأمین مصالح دنیایی و اخروی بشری باعث دلگرمی و جلب توجه شده پابندی و استقامت بر ارزش‌های دینی را که اساس حفظ دین بر آن است را دوامدار می‌سازد.

۳.۳. رعایت یسر و عدم حرج

رعایت یسر و عدم حرج در دین اصل دیگر تضمینی، برای حفظ و بقای دین در جامعه انسانی است. تمامی تکالیف شریعت بر پایه آسانی و رفع حرج بنا شده‌اند، *﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾*^{۲۶} زیرا خداوند بندگان را تنها به چیزی که قادر به انجام آن هستند و در آن مصلحت

^{۲۲} العالم، المقاصد العامة للشریعة الإسلامية، ۴۲.

^{۲۳} ابن عاشور، مقاصد الشریعة الإسلامية، ۱۵/۱.

^{۲۴} محمد بن أبی بکر بن أبیوب الجوزیة، إعلام الموقعین عن رب العالمین (المملكة العربية السعودية: دار ابن الجوزي للنشر والتوزيع، ۱۴۲۳ ه.ق)، ۱۹۵/۱.

^{۲۵} أبو الحسین مسلم بن الحجاج مسلم، الجامع الصحیح=صحیح مسلم (بیروت: دار إحياء التراث العربي، بی‌تا)، "الذكر والدعاء والتوبة والاستغفار"، ۱۸ (۲۷۲۰).

^{۲۶} الحج ۷۸/۲۲.

عاجل و آجل وجود دارد، مکلف کرده است. «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^{۲۷} این موضوع در نصوص وحی، قرآن و سنت نبوی به وضوح دیده می شود.^{۲۸}، رخصت های شرعی در صورت وجود اسباب آن، یکی از تجلیات اصل آسانی و رفع حرج است. همچنین در تشریع، مراعات طبیعت های بشری و عرف های پسندیده اجتماعی مدنظر گرفته شده است. این یسر و عدم حرج باعث عمل کردن به دین، بقای دایمی و نتیجتاً موجب حفظ آن می شود.

۴.۳. ارسال رسل

از نمونه های تضمینی برای حفظ دین، ارسال رسل و نقش آنان در امانت داری و صداقت در تبلیغ رسالت شان است. پیامبران مکلف به ترویج، اقامه و حفظ دین در میان امتان شان بوده اند. ^{متعال} الله فرموده است: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»^{۲۹} "خداوند برای شما از دین همان چیزی را تشریع کرد که به نوح سفارش کرده بود و آنچه را به تو وحی کردیم و به ابراهیم، موسی و عیسی سفارش کردیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید". صاحب تفسیر بغوی (۲۱۴ - ۳۱۷ ه.ق) در تفسیر این آیه مبارکه گفته است. خداوند تمام رسولان را برای اقامه دین و ایجاد وحدت و ترک اختلاف فرستاده است.^{۳۰} پس از مکلفیت های پیامبران ^{علیهم السلام} ایجاد دین برپایی و حفظ آن بوده است و آنان این مأموریت شان را صادقانه به سر رسانده و دین را محفوظ داشتند. برای حفظ دین، ^{متعال} الله پیروی از پیامبران را من حیث الگو و سرمشق بر اُحاد امت های شان فرض گردانید است.^{۳۱} پیامبران در رسانیدن اصول و اساسات ضروری دین بدون کم و کاست با امانت داری، انجام وظیفه کردند. باید اسلام را به عنوان روش زندگی خود اجرا کنیم. اگر این کار را نکنیم، دینی را که خدا برای ما رضایت داشته است، اقامه نکرده ایم.^{۳۲}

^{۲۷} البقرة ۲۸۶/۲.

^{۲۸} النساء ۱۰۱/۴؛ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل البخاری، الجامع الصحیح = صحیح البخاری (بی جا: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲)، "تقصیر الصلاة"، ۱۹ (۱۱۱۷).

^{۲۹} الشوری ۱۳/۴۲.

^{۳۰} أبو محمد الحسین بن مسعود البغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن = تفسیر البغوی (بی جا: دار طبیة للنشر والتوزیع، ۱۹۹۷ م)، ۱۸۷/۷.

^{۳۱} الأحزاب ۳۳/۲۱؛ محمد ۴۷/۳۳.

^{۳۲} القرطبی، الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبی، ۱۰/۱۶.

۵.۳. اقامه خلافت‌ها بعد از نبوت

اقامه خلافت‌ها بعد از نبوت در اسلام یکی از موارد تضمینی برای حفظ دین است. چون یکی از وظایف عمده خلیفه اقامه، حفظ و تطبیق دین در میان توده‌های بشری بعد از پیامبر است. این امر موضوع اتفاقی میان تمامی دانشمندان مسلمان است. امام ماوردی (۳۶۴-۴۵۰ ه.ق) گفته است: امامت، برای جانشینی از نبوت در حفاظت دین و اداره دنیا موضوعیت دارد و انعقاد آن برای کسی که این وظیفه را در امت به عهده می‌گیرد، بر اساس اجماع امت واجب است.^{۳۳} امام قرطبی (۶۰۰ - ۶۷۱ ه.ق) به نقل از ابن همام (۷۹۰-۸۶۱ ه.ق) گفته است: هدف نخست خلافت، اقامه دین است؛ یعنی دین را به‌طور کامل و با اخلاص در طاعات، احیای سنت‌ها و از بین بردن بدعت‌ها اقامه کنیم تا بندگان بر طاعت خداوند متعال متمرکز شوند.^{۳۴} همچنان حفظ و اقامه دین از مکلفیت‌های امرای مسلمین در محدوده صلاحیت‌های‌شان در سرزمین‌های اسلامی است. الله تعالی فرموده است: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^{۳۵} کسانی که اگر آنان را در زمین تمکین دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به معروف امر و از منکر نهی می‌کنند و سرانجام همه امور به‌سوی خداست". این آیه قرآن کریم از مسئولیت اولیای امور مسلمانان که بر سرزمین اسلامی قدرت می‌یابند خبر می‌دهد، این اخبار به معنی الزام و انجام است، یعنی این که اولیای امور مسلمانان باید به چنین کاری اقدام نمایند تا هدف خلافت انسان در زمین تحقق یابد.^{۳۶} پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم، اطاعت اولیای امور را بر عامه مسلمانان فرض قرار داده است، اگرچه در بعضی از امورات شرعی مرتکب کوتاهی شوند. با ارتکاب معاصی علیه آنان قیام مسلحانه جواز ندارد؛ مگر این که کفر آشکار و یا ترک اقامه نماز از آنان به مشاهده برسد، در آن صورت اقدام عملی برای اصلاحات آنان بر عامه مسلمانان لازم می‌شود.^{۳۷} ملاعلی القاری (۱۰۱۴ ه.ق) فرموده است: ظاهراً مراد از نماز، در این جا، دین است.^{۳۸} پس بغاوت علیه اولیای امور مسلمان تازمانی که به اصل اقامه و حفاظت از دین پایبند باشند، جواز ندارد.

^{۳۳} علی بن محمد بن محمد بن حبيب الماوردي، الأحكام السلطانية للماوردي (القاهرة: دار الحديث، بی تا)، ۱۵.

^{۳۴} أسامة بن سعيد القحطاني «و دیگران»، موسوعة الإجماع في الفقه الإسلامي (المملكة العربية السعودية: دار الفضيلة للنشر والتوزيع، الرياض، ۲۰۱۲ م)، ۲۷۱/۵.

^{۳۵} الحج ۴۱/۲۲.

^{۳۶} الطبري، تفسير الطبري = جامع البيان في تأويل القرآن، ۱۸/۶۵۱.

^{۳۷} مسلم، صحيح مسلم، "الإمارة"، ۱۷ (۱۸۵۵).

^{۳۸} علي بن (سلطان) محمد القاري، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح (بيروت: دار الفكر، ۲۰۰۲ م)، ۳۸۶۳/۹.

۴. راهکارهای حفظ دین

شریعت اسلامی راه‌های مختلف را برای حفظ دین، جهت بقا و تطبیق آن به منظور تنظیم زندگی بهتر مطابق دستورات خالق متعال و تأمین زندگی پسندیده و سعادت‌مندی بشری مدنظر داشته است. مهم این است که انسان درک کند که الله متعال از او چه خواسته است تا آن را بداند و مطابق آن عمل نماید، چون انسان به علت کمبود دانش در امورات مورد نظر الله متعال، شاید چیزهایی را بهتر بداند که خیری در آن وجود نداشته باشد، چیزهای را ناپسند بشمارد درحالی که سعادت‌مندی وی در آن نهفته باشد، «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^{۳۹} "بسا چیزهایی را ناخوش دارید و آن برای شما خیر است و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما شر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید". از این که الله متعال عالم الغیب و الشهادة، رب العالمین، ذوالقوة المتین، است مدار خیر و شر انسان را می‌داند، چون او آفریننده مطلق است. «أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ»^{۴۰} "کسی که آفریده است، می‌داند و او لطیف و آگاه است"؛ بنابراین، شریعت اسلامی دین را به روش‌های مختلف، چه از طریق کاشت و ایجاد آن در نفوس ابتداء چه از طریق تقویت و نگهداشتن آن به طور مداوم با عمل و تطبیق، چه از طریق فراخوانی و دعوت به سوی آن، چه با روش دفع شبهات و جلوگیری از نفوذ شبهات و بدعت‌ها با ارائه دلیل و برهان، چه با روش دفاع حین تجاوز زورگویان برای از بین بردن ارزش‌ها و پیروان آن، حفظ نموده است.

۴. ۱. ابتدای ایجاد دین

ایجاد دین ابتداءً با ارسال رسل و انزال کتب آسمانی که حاوی راه و رسم پسندیده مورد تأیید الله متعال است. ادیان الهی حاوی مطالب عمده نظری و عملی‌اند که به طریقه وحی به مطمئن‌ترین افراد بشر که از نظر خلق و خلق به درجه کمال بوده‌اند، برای رهنمایی بشریت نازل شده‌اند. فرستادگان الله متعال این مأموریت و رسالت را با کمال امانت‌داری بدون کم‌وکاست به امت‌های‌شان رسانیده‌اند. عمده‌ترین موضوع رسالت آنان تقویت اصل توحید و ایمان بوده است.

تقویت یقین به اصول ایمان و ارکان آن شامل ایمان به خدا، پیامبران، کتاب‌ها، فرشتگان، روز قیامت، قضا و قدر (خیر و شر آن) است. الله متعال فرموده است: «أَمَّا الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ»^{۴۱} "پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است و مؤمنان نیز همه به خدا، فرشتگان او،

^{۳۹} البقرة ۲/۲۱۶.

^{۴۰} الملك ۱۴/۶۷.

^{۴۱} البقرة ۲/۲۸۵.

کتاب‌های او و رسولان او ایمان آورده‌اند. ما میان هیچ یک از رسولان او تفاوت نمی‌گذاریم". برای تقویت ایمان باید به برهان عقلی و حجت علمی توجه کرد. اسلام به تدبیر و تعمق دعوت می‌کند^{۴۲} از تقلید کورکورانه از آبا و اجداد، بدون تعقل منع می‌فرماید.^{۴۳} پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم، بیشترین مدت زمانی عمر رسالتش را در راه تقویت اصول و پایه‌های توحید در میان قومش در دوران مکی سپری کرد، بیشترین مشکلات را در این مقطع زمانی متحمل شد.

۲.۴. عمل مطابق دین

پابندی به تعالیم دین و عمل به آن پس از اعتقاد، دین را در نفوس زنده نگه می‌دارد و تأثیر آن را در وجدان انسان‌ها حفظ می‌کند.^{۴۴} از این رو، ایمان و عمل صالح در بسیاری از آیات قرآن همراه ذکر شده‌اند.^{۴۵} انجام اصول عبادات و ارکان اسلام، پس از ادای شهادتین، از مهمترین عوامل برای حفظ دین است.^{۴۶} مسلمانان موظف به اجرای احکام دین در زندگی واقعی هستند، هر کس که مکلفیت‌های دینی خویش را اقامه کند، مطابق دساتیر آن عمل نماید، به اقامه دین و اسلام در زمین الله کمک^{متعال} کرده است. هیچ یکی از عبادات و احکام تشریع اسلامی بدون حکمت و مقصد نیستند^{۴۷} که این حکمت‌دار بودن و منفعت مادی و معنوی اثری بر بقاء و حفظ دین می‌گذارد. پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم اهمیت حفظ دین و پابندی به آن را به گونه‌های مختلف بیان داشته است، در دعا‌های صبح و شام، ایشان از الله متعال ثبات و استقامت بر دین را از الله متعال درخواست می‌کرد، نجات از وقوع در کفر، فقر و ابتلا و مصیبت در دین را از الله متعال عاجزانه طلبان بود. *اللهم حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا*.^{۴۸} "خدایا، ایمان را به ما محبوب کن و آن را در دل‌های ما زینت بده". *إِنَّا مُتَلَبِّ الْقُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ*.^{۴۹} "ای دگرگون‌کننده دل‌ها، دل مرا بر دینت ثابت نگهدار". *اللهم إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ*.^{۵۰} "خدایا، من به تو پناه می‌برم از کفر و

^{۴۲} الاعراف/۱۸۵.

^{۴۳} البقرة/۱۷۰/۲.

^{۴۴} البقرة/۲۰۸/۲، ۲۰۹.

^{۴۵} العصر ۳-۱/۱۰۳.

^{۴۶} بخاری، صحیح البخاری، "الرقاق"، ۲۸، (۶۵۰۲).

^{۴۷} ابن عاشور، مقاصد الشريعة الإسلامية، ۱۵/۱.

^{۴۸} أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل الشیبانی حمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل (بی‌جا: مؤسسة الرسالة،

۱۴۲۱ هـ.ق / ۲۰۰۱ م)، ۲۴/۲۴۷ (۱۵۴۹۲).

^{۴۹} ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۱۵۱/۴۱ (۱۷۶۳۰).

^{۵۰} ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۷۵/۳۴ (۲۰۳۸۱).

فقر". «وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا».^{۵۱} «مصیبت در دینمان قرار نده». این دعاها درخواست تقویت ایمان و ثبات قلب در دین و همچنین پناه بردن از کفر و فقر و مصیبت‌های دینی است. این همه رهنمودهای نبوی برای تعلیم به امت است که مصرانه در بعد مادی و معنوی برای حفظ دین تلاش نمایند که مایه سعادت و خوشبختی مادی و معنوی دنیوی و اخروی مسلمانان، دین است.

۴.۳. تطبیق احکام دین

مسلمانان، نه تنها به گونه فردی؛ بلکه به شکل گروهی مکلف‌اند، بر اساس دین الله متعال حکم نمایند، اقامه دین در گرو تطبیق احکام الهی است، تطبیق احکام دین به گونه گروهی مسئولیت امرای مسلمان و اولوالامر آنان است، مسؤولین نیابتاً از شارع به تطبیق اوامر و دساتیر شرعی که نیاز به سلطه و قدرت دارد، اقدام می‌نمایند. عدم تحکیم دین، به معنی خروج از دین است. الله متعال فرموده است: «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ».^{۵۲} «کسی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند، آنان کافرنند». حکمرانی با قوانین خداوندی از اصول اساسی ایمان است و کسانی که از این امر سرپیچی کنند، به کفر روی می‌آورند. همچنین فرموده است: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا».^{۵۳} «نه به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند؛ مگر این‌که تو را در موارد اختلاف‌شان داورى کنند و سپس هیچ‌گونه تنگی در دل‌های‌شان نسبت به حکم تو نیابند و به‌طور کامل تسلیم شوند». این آیه به اهمیت پذیرفتن حکم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم به‌عنوان داور در اختلافات اشاره دارد. نشان‌دهنده لزوم تسلیم کامل به تصمیمات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم است و تنها در این صورت است که ایمان واقعی تحقق می‌یابد. حکم کردن به اسلام و ارجاع مسائل به محاکم و قضاوت‌های شرعی در حفظ دین نقش مهمی دارند. کسانی که این کار را انجام نمی‌دهند، دین را بین مردم و عوام کتمان می‌کنند؛ زیرا مسائل به شریعت ارجاع نمی‌شود که این کار منجر به عدم حفظ دین و اقامه آن در جامعه می‌شود.

۴.۴. عدم کتمان دین

بیان دین و عدم کتمان آن، از وسایل عمده حفظ دین است، کتمان‌کنندگان احکام دینی، نزد الله متعال و در حلقات مقربان الهی مغفور و ملعون به حساب آمده‌اند. الله متعال فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ

^{۵۱} أبو عیسی محمد بن عیسی الترمذی، سنن الترمذی (مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵/

۱۹۷۵م)، "كتاب الدعوات"، ۸۰ (۳۵۰۲)

^{۵۲} المائدة ۴۴/۵.

^{۵۳} النساء ۶۵/۴.

اللَّاعِنُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا فَاوْلَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».^{۵۴} «کسانی که آنچه را ما از دلایل روشن و هدایت نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان کرده‌ایم، کتمان می‌کنند، خداوند و لعنت کنندگان آنان را لعنت می‌کنند. مگر کسانی که توبه، اصلاح و بیان کنند، توبه آنان را می‌پذیریم و من توبه‌پذیر و مهربان هستم». صاحب تفسیر «تیسیر الکرمین الرحمن» (۱۳۰۷ - ۱۳۷۶ ه.ق) گفته است: این آیه گرچه در مورد اهل کتاب نازل شده و آنچه از شأن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم و صفات او کتمان کرده‌اند؛ اما حکم آن عمومی است برای هرکسی که به کتمان آنچه خداوند نازل کرده شامل است؛ از دلایل روشنی که بر حق دلالت می‌کنند و هدایت به صراط مستقیم را فراهم می‌آورند و راه بهشت را از راه جهنم جدا می‌کنند. خداوند از اهل علم عهد گرفته است که آنچه را که از علم کتاب به آن‌ها بخشیده برای مردم بیان کنند و کتمان نکنند.^{۵۵}

امام قرطبی (۶۰۰ - ۶۷۱ ه.ق) گفته است: مراد این آیه همه کسانی‌اند که حقیقت را کتمان می‌کنند. این آیه به‌طور عموم شامل هرکسی می‌شود که علمی از دین خدا را که نیاز به انتشار دارد، کتمان کند.^{۵۶} آلوسی (۱۲۱۷ - ۱۲۷۰ ه.ق) گفته است معنی کتمان دین: ترک اظهار چیزی به قصد، با وجود نیاز به آن و تحقق دلیلی برای اظهار آن است.^{۵۷} معنی عدم کتمان دین اجتناب از بیان نفس دین، حقیقت آنچه معلوم من الدین بالضرورة است و این که تأویلی از دین ارائه داده شود که هیچ قاعده از قواعد دین و تفاسیر آن را تأیید نکند.

۵.۴. دعوت به دین

دعوت به سوی دین وسیله انتشار و یکی از ارکان اقامه و حفظ دین است. این اصل در واقع وظیفه پیامبران الله متعال است که به همین منظور فرستاده شدند، برای رهنمودی‌شان کتب آسمانی فرود آمده است، مساعدت‌های مادی و معنوی از طرف الله متعال برای موفقیت‌شان صورت گرفته است. الله متعال به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم دستور داده است: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾.^{۵۸} «بگو این راه من است که من و کسانی که پیروی‌ام می‌کنند با بصیرت به سوی خدا دعوت می‌کنیم و خداوند منزّه و پاک است و من از مشرکان نیستم». اگر دعوت نمی‌بود، دینی برپا نمی‌شد و اسلام گسترش نمی‌یافت. اگر دعوت به درستی انجام

^{۵۴} البقرة ۱۵۹/۲-۱۶۰.

^{۵۵} عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان (مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۰ م)، ۷۷.

^{۵۶} القرطبي، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، ۱۸۴/۲.

^{۵۷} شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني الألويسي، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني (بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ ه.ق)، ۴۲۵/۱.

^{۵۸} يوسف ۱۰۸/۱۲.

شود و مردم آن را بپذیرند، داعیان و هم مدعوین به خوشبختی دنیا و آخرت نائل می‌شود. ازاین‌رو، دعوت در اسلام مقام بزرگ، شرف عظیم و امامتی برای مردم و هدایت خلق است. افزون بر پیامبران، افراد امت اسلامی مکلف به انجام دعوت به سوی دین الله متعال هستند ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^{۵۹} باید از میان شما امتی باشند که به سوی خیر دعوت کنند و به معروف امر و از منکر نهی کنند و آنان همان رستگاران هستند".

در رابطه به حکم تکلیفی دعوت میان دانشمندان مسلمان اختلاف نظر وجود دارد برخی بر وجوب عینی و برخی هم بر کفایی بودن آن معتقد هستند. صاحب تفسیر بغوی به وجوب عمومی دعوت و امر به معروف نهی از منکر معتقد است.^{۶۰} امام قرطبی (۶۰۰ - ۶۷۱ ه.ق)، ابن کثیر (۷۰۰ - ۷۷۴ ه.ق) و بیضاوی (۶۹۱ ه.ق) به کفایی بودن دعوت، امر به معروف و نهی از منکر نظر داده‌اند.^{۶۱} رجحان رأی دوم به جهتی است که دعوت به دین نیازمند یک سلسله دانش و پیش‌نیازهای است که هر فرد از عهده آن موفق بدرآمده نمی‌تواند، اگرچه فریضه امر به معروف و نهی از منکر در محدوده توانایی مکلفیت هر فرد مسلمان است. نصوص کتاب و سنت بر وجوب دعوت به سوی خداوند به معنای عام بر هر مسلمان دلالت دارد، هر کس در حد وسع و توانایی به دعوت با حکمت و موعظه حسنه مکلف است.^{۶۲} دعوت کردن به سوی دین از و سایل حفظ دین است. ترک دعوت به معنای خاموش کردن معالم دین و فرصت دادن به کافران برای ظهور کفر است. دعوت شامل آموزش دین، امر به معروف و نهی از منکر، پاسخ به مخالفان، رفع شبهات و افشای طرح‌های شوم دشمنان دین است. دعوت به دین صرف رسانیدن آموزه‌های دین به بی‌دینان، منحصر نمی‌شود؛ بلکه پیش از کفار، در این زمان مسلمانان نیازمند دعوت به دین هستند؛ چون عدّه زیادی از مسلمانان از دین جز نام چیزی از احکام و پیام‌های آن را نمی‌شناسند و عدّه هم به اثر لامبالاتی و عدم توجه باوجود اعتقاد به دین، پابند مقررات شرعی نیستند که این گروه قبل از بی‌دینان نیازمند دعوت برای اعتناق به دین هستند.

^{۵۹} آل عمران ۱۰۴/۳.

^{۶۰} البغوي، معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي، ۴۸۶/۱.

^{۶۱} القرطبي، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، ۴/ ۱۶۵؛ أبو الفداء إسماعيل بن عمر ابن كثير، تفسير القرآن العظيم (بی‌جا: دار طيبة للنشر والتوزيع، ۱۹۹۹ م)، ۹۱/۲؛ ناصر الدین أبو سعید عبد الله بن عمر البیضاوي، تفسير البیضاوي = أنوار التنزيل وأسرار التأويل (بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۱۸ ه.ق)، ۳۱/۲.

^{۶۲} <https://binbaz.org.sa/fatwas/۲۳۲۲/>. تاریخ استفاده ۵/۱۱/۱۴۰۳ ساعت چهار عصر.

۶.۴. جهاد برای حفظ دین

جهاد در راه الله ^{متعال} در کنار دیگر حکمت‌های مشروعیت آن، برای حفظ دین تشریع شده است؛ زیرا دعوت اغلب بارد، انکار و جهود مواجه می‌شود. برای شکستن موانع قوی و سدهای محکم که در راه انتشار دین قرار می‌گیرند، هیچ راه حلی جز مقابله با قدرت وجود ندارد؛ برای رفع موانع تا مردم به دین خدا دسترسی پیدا کنند، جهاد توصیه می‌شود. رابطه میان دعوت به اسلام و جهاد، به گونه است که دین اسلام پیام جاودان ربانی است که از چشمه‌سار زلال منبع می‌گیرد، آب زلال و شیرینی که دشت‌های تشنه در انتظار رسیدن آن، هستند. دعوت اسلامی در حقیقت راه معقول و صلح‌آمیز برای رسانیدن این آب زلال به آن دشت‌های حاصل خیز است. اگر در راه این کانال حیات‌بخش، موانع کوچک وجود داشته باشد، با دلیل، برهان و منطق قابل توجیه زدوده شد، فهورالمрад. اگر موانع جدی باشد که مقاومت آن با دلیل و برهان و منطق برداشته نشود، نیاز به استعمال قوت شود، به هر وسیله ممکن این و موانع از راه برداشته شده تا پیام ربانی به نیازمندان آن رسانیده می‌شود. این استعمال قوت همان انجام جهاد در راه الله ^{متعال} است که به قدر نیاز برای رفع موانع از راه دعوت بکار بسته می‌شود، از اصل، الاسهل فالاسهل کار گفته شده، راه دعوت بازکرده می‌شود. کسانی که در این راه مانع ایجاد نکنند، در آموزه‌های اسلام برای جهاد آنان مصون‌اند، متضرر ساخته نمی‌شوند.^{۶۳} در «الفتاوی الهندیة» آمده است، یکی از شرایط مشروعیت جهاد این که دشمنان از پذیرفتن دعوت اسلامی ابا ورزند، تعهد صلح و سلام میان مسلمانان و کفار وجود نداشته باشد.^{۶۴} جهاد دارای هدف عالی و بزرگ که همانا اعلای کلمه الله و نشر دعوت اسلامی در همه اطراف و اکناف زمین هست. هدف مشروعیت جهاد سلطه‌طلبی و کشورگشایی، تعدی و تجاوز بر طوایف بشری نیست.^{۶۵} جهاد همچنین برای نجات مظلومان مؤمن که دشمنان دین آنان را به بردگی و بندگی می‌گیرند، بر آنان ظلم و تعدی روا می‌دارند، ایشان را به عبادت الله ^{متعال} اجازه نمی‌دهند، مشروع شده است. الله ^{متعال} فرموده است: ﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ﴾.^{۶۶} «جازه قتال و جنگ داده شده (که بجنگند)، به آنان که مظلوم واقع شده‌اند و الله ^{متعال} بر یاری آنان قادر است. کسانی که بدون حق از دیارشان بیرون رانده شدند، جز این که می‌گفتند پروردگار ما الله است.» همچنان جهاد برای دفاع از دینداران برای بقا و حفظ دین مشروع شده است، دیندارانی

^{۶۳} حسین بن عودة العوايشة، الموسوعة الفقهية الميسرة في فقه الكتاب والسنة المطهرة (اردن: الأردن المكتبة الإسلامية، ۱۴۲۹ هـ.ق)، ۱۰۵/۷.

^{۶۴} لجنة علماء برئاسة نظام الدين البليخي، الفتاوى الهندية (دار الفكر، ۱۳۱۰ هـ.ق)، ۱۸۸/۲.

^{۶۵} الفحطاني «و دیگران»، موسوعة الإجماع في الفقه الإسلامي، ۲۵/۶.

^{۶۶} الحج ۳۹/۲۲-۴۰.

که به علت دین شان مورد ستم قرار می گیرند. الله متعال فرموده است: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾.^{۶۷} شما را چه شده است که در راه خدا و برای (رهایی) مستضعفان از مردان و زنان و کودکان نمی جنگید؟ همان هایی که می گویند: پروردگارا، ما را از این قریه که اهلش ستمگرند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرست و یابوری قرار ده". کمال بن همام (۷۹۰ - ۸۶۱ ه.ق) گفته است: وجوب جهاد برای حفظ دین است.^{۶۸} جهاد در راه الله برای برتری کلمه الله، حفاظت از مسلمانان، برقراری عدالت و جلوگیری از ظلم و فساد مشروع شده است. الله متعال انسان ها را برای عبادت خود آفریده است، کشتن کسی جایز نیست؛ مگر این که عناد ورزد و بر کفر اصرار کند، یا مرتد شود، ظلم یا تجاوز کند، یا مانع ورود مردم به اسلام شود، یا به مسلمانان آزار رساند. پیامبر صلی الله علیه و سلم هرگز با هیچ قومی جنگ نکرد؛ مگر این که ابتدا آنان را به اسلام دعوت کرد.^{۶۹}

۴.۷. اقامه حدود الله

الله متعال، برای حفظ دین، حدودی را مشروع کرده است و انسان ها را به رعایت و پابندی به آن مکلف ساخته که از آن حدود نگذرند و تجاوز نکنند.^{۷۰} پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده اند: إِنْ أَلَّ اللَّهُ حَدَّ حَدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَفَرَضَ لَكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضِعُّوهَا وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَتَرَكَ أَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ نَسْيَانٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْهُ لَكُمْ فَاقْبَلُوهَا وَلَا تَبْهَتُوا فِيهَا.^{۷۱} "الله متعال حدودی را تعیین کرده است، از آن ها تجاوز نکنید و برای شما واجباتی مقرر کرده است، آن ها را ضایع نسازید و چیزهایی را حرام کرده است، آن ها را بی حرمتی نکنید و چیزهایی را از روی رحمتش برای شما بدون فراموشی ترک کرده است، پس آن ها را بپذیرید و در آن ها بحث نکنید". اصل حد به معنی منع و حدفاصل و جدایی میان دو چیز است، گویا حدود شرعی حدفاصلی اند که مرز میان حلال و حرام را مشخص کرده اند.^{۷۲} این حدود برای جلوگیری از خروج افراد از دین تشریع شده است.^{۷۳} حدود

^{۶۷} النساء ۷۵/۴.

^{۶۸} شمس الدین محمد بن محمد بن محمد ابن امیر حاج، التقرير والتحجير علي تحرير الكمال بن الهمام (بی جا: دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۳ م)، ۱۴۴/۳.

^{۶۹} محمد بن ابراهیم بن عبد الله التوبجری، مختصر الفقه الاسلامي في ضوء القرآن والسنة (المملكة العربية السعودية: دار أصداء المجتمع، ۲۰۱۰ م)، ۱۰۲۸.

^{۷۰} البقرة ۲۲۹/۲.

^{۷۱} أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله النيسابوري، المستدرک علی الصحیحین (بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۰ م)، ۱۲۹/۴ (۷۱۱۴).

^{۷۲} القاري، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ۲۹۹/۱.

^{۷۳} محمد بن صالح بن محمد العثیمین، شرح الأربعین النوویة (بی جا: دار الثریا للنشر، بی تا)، ۳۰۹.

شرعی در رابطه به فرایض و یا امور مامور به به معنی تعیین حد الزام در طلب است که شامل امور فرض، واجب، سنت، مباح و مستحب است که رعایت هر کدام و قرار دادن هر حکم درجایش به معنی حفظ دین است.^{۷۴} همچنان در امور منهی عنه، حدود شرعی مبین درجه ترک و اجتناب از حرمت، کراهت و قباحات های شرعی است. از این جمله حد زنا، سرقه، حد شرب خمر به حساب می آیند. این حدود را زاجره و رادعه می شمارند.^{۷۵} که موجب ترک امور منهی عنه شده و در نتیجه زمینه حفظ دین را فراهم می آورد. عدم تجاوز از حدود، به معنی رعایت حد و اندازه هر حکم شرعی کما حقّه است.^{۷۶، ۷۷} محدثین این حدیث را از زمره احادیث جامع به حساب می آورند که جمعی از احکام دین را بیان می دارد؛ زیر پیامبر صلی الله علیه و سلم، در این حدیث احکام شریعت اسلامی را به فرایض، حدود، نواهی و مباحات تقسیم کرده است، حکمی در شریعت وجود ندارد که شامل این اقسام نشود.

از مکلفیت های امام و ولی الامر مسلمان حفظ سرزمین اسلامی و حفظ دین، تنفیذ احکام و اقامه حدود الله، حفظ سرحدات، جمع آوری صدقات و زکات، تحکیم عدالت میان مردم، جهاد با دشمنان، گسترش دعوت و نشر ارزش های اسلامی است.^{۷۸} اقامه حدود، در مجموع باعث حفظ دین و حفظ حیات انسان ها می شود.^{۷۹} الله متعال مجازات مقدر شده ای برای جرائم تعیین کرده که نباید افزایش یا کاهش یابد. این مجازات باعث حفظ دین، نفس، مال، حیثیت و عقل می شوند. از جمله حدود معین برای حفظ دین مشروعیت حد ارتداد است. این حد برای حفظ اسلام از تخریب و جلوگیری از انتشار باطل و کفر است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم فرموده است: [مَنْ بَدَّلَ دِيْنَهُ فَاقْتُلُوْهُ].^{۸۰} "هر کس دین خود را تغییر دهد، او را بکشید". منظور از دین، اسلام است. این حد برای جلوگیری از خروج افراد از دین تشریع شده است. مرتد به اتفاق علماء و ائمه دین کشته

^{۷۴} عبد المحسن بن حمد بن عبد المحسن العباد البدر، شرح الأربعین النوویة - العباد (بترقیم الشاملة آلیا)، (دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>، ۴/۲۸).

^{۷۵} القاري، مرقة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ۲۹۹/۱.

^{۷۶} العباد البدر، شرح الأربعین النوویة (بترقیم الشاملة آلیا)، ۴/۲۸.

^{۷۷} فیصل بن عبد العزیز بن فیصل النجدي، طریز ریاض الصالحین (الریاض: دار العاصمة للنشر والتوزیع، ۲۰۰۲ م)، ۱۰۴۰.

^{۷۸} التویجری، مختصر الفقه الإسلامی فی ضوء القرآن والسنة، ۹۷۹.

^{۷۹} محمد بن إبراهیم بن عبد الله التویجری، موسوعة الفقه الإسلامی (بی جا: بیت الأفكار الدولية، ۲۰۰۹ م)، ۱۰۱/۵.

^{۸۰} بخاری، صحیح بخاری، "الجهاد والسير"، ۱۴۹ (۳۰۱۷).

می‌شود؛ اگرچه اهل حرب نباشد^{۸۱} اگر حد ارتداد اجرا نشود، افراد به راحتی وارد دین می‌شوند و سپس از آن خارج می‌شوند. اسلام هیچ‌کس را به پذیرش دین مجبور نمی‌کند و الله تعالی تنها دینی که از روی اعتقاد و رضایت قلبی پذیرفته شده باشد، می‌پذیرد. اگر کسی پس از پذیرش اسلام مرتد شود، این به معنای ایجاد اغتشاش فکری و سیاسی در جامعه است که به استقرار فکری و روانی جامعه آسیب می‌زند.^{۸۲} کاری که همیشه دشمنان اسلام برای گسترش آن در جامعه اسلامی‌اند. الله تعالی فرموده است: ﴿وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾.^{۸۳} "گروهی از اهل کتاب گفتند: به آنچه بر مؤمنان نازل شده است، در آغاز روز ایمان بیاورید و در پایان روز کفر بورزید، شاید که آنان (از دین خود) بازگردند".

سید سابق (۱۴۲۰ هـ.ق) گفته است: اسلام یک روش کامل برای زندگی، دین و دولت، عبادت و رهبری، قرآن و شمشیر، روح و ماده، دنیا و آخرت است. اسلام استوار بر عقل و منطق، دلیل و برهان است. در عقیده و شریعت اسلام هیچ‌چیزی وجود ندارد که با فطرت انسان در تضاد باشد یا مانع رسیدن به کمال مادی و ادبی او شود. کسی که وارد اسلام شود، حقیقت آن را می‌شناسد و شیرینی آن را می‌چشد. اگر پس از ورود به اسلام و درک آن، از آن خارج (مرتد) شود، در واقع از حق، عدالت و منطق خارج شده و دلیل و برهان را انکار کرده و از عقل سلیم و فطرت مستقیم دور شده است. انسانی که به این سطح برسد، به پایین‌ترین درجات انحطاط سقوط کرده است. چنین انسانی نباید حفظ شود و نباید برای بقای او تلاش کرد؛ زیرا در زندگی او هدف ارزشمندی وجود ندارد. از سوی دیگر، اسلام به‌عنوان یک روش عمومی برای زندگی و نظام جامع برای رفتار انسانی، نیاز به محافظی دارد که آن را محافظت کند و سپری که آن را حفظ کند.^{۸۴} هیچ نظامی بدون حفاظت و نگهداری نمی‌تواند پایدار بماند. ارتداد و خروج از اسلام در واقع انقلاب علیه آن است و جزای انقلاب علیه نظام عمومی جز جزایی که قوانین وضعی برای کسانی که علیه نظام دولت و اوضاع مقرر آن خروج می‌کنند، (اعدام) تعیین کرده‌اند، بوده نمی‌تواند.

^{۸۱} تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم ابن تيمية، مجموع الفتاوى (المملكة العربية السعودية: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، ۱۹۹۵ م)، ۱۰۰/۲۰؛ موفق الدين عبد الله بن أحمد قدامة المقدسي، المغني لابن قدامة (بي جا: مكتبة القاهرة، ۱۹۶۸ م)، ۳/۹.

^{۸۲} خالد بن عبد المنعم الرفاعي، الحكمة في مشروعية قتل المرتد.

^{۸۳} https://www.alukah.net/fatawa_counsels/۰/۱۴۴۳۹/، تاریخ استفاده ۴/۱۱/۱۴۰۳. ساعت ۸ بعد از ظهر.

^{۸۴} آل عمران ۷۲/۳.

^{۸۵} السيد سابق، فقه السنة (بيروت: دار الكتاب العربي، ۱۹۷۷ م)، ۴۵۷/۲.

۸.۴. مقابله با شبهات و بدعت‌گذاری

یکی از وسایل محفوظ ماندن دین، دفع شبهات، ارائه پاسخ‌های علمی و منطقی به شبهات و سؤالات دینی، مبارزه و مقابله با انحرافات فکری و عقیدتی که ممکن است به تضعیف دین بی انجامد، می‌باشد. حفظ دین نیازمند تلاش مستمر در این جنبه است تا ایمان و تعالیم دینی در زندگی فردی و اجتماعی استوار بماند و به نسل‌های آینده منتقل شود.

مبارزه با بدعت در دین و مقاومت در برابر بدعت‌گذاران اهمیت زیادی دارد. بدعت به معنای روش یا شیوه‌ای است که در دین ابداع شده و با شریعت مطابقت ندارد و هدف از پیروی آن اغراق در عبادت خداوند است. امام شاطبی (۷۹۰ ه.ق) گفته است: بدعت در دین به معنای روش اختراع شده است که با روش‌های شرعی مشابهت دارد و هدف از پیروی آن، مبالغه در عبادت خداوند متعال است.^{۸۵}

برای این‌که جایی برای بدعت در دین نیست و نوآوری در امور دینی که اساس و بنیاد شرعی نداشته باشد، غیر معتبر و مردود است. الله متعال در قرآن کریم، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم را به عنوان الگوی حسنه برای انجام اعمال دینی معرفی کرده است.^{۸۶} اطاعتش را در همه امور بر مسلمانان واجب و نافرمانی‌اش را موجب بطلان اعمال قرار داده است.^{۸۷} بدعت در دین خطرناک‌ترین وسیله برای تخریب دین و منحرف کردن مقاصد آن است. مذمت بدعت در آن است که بدعت‌گذار خودش را به جایگاه شارع قرار می‌دهد، تصور می‌کند که او بهتر می‌داند، با این وضعیت خودش گمراه می‌شود و زمینه گمراهی دیگران را فراهم می‌آورد.

۹.۴. تحریم معاصی

تحریم گناهان و مجازات کسانی که آن‌ها را مرتکب می‌شوند، به صورت حدود یا تعزیرات، توسط خداوند تعیین شده است. خداوند از گناهان بزرگ و کوچک نهی کرده است و برای برخی از گناهان بزرگ مجازات مشخص کرده و جرم‌انگاری بعضی خلاف‌ورزی‌ها را به اولیای امور که صلاحیت تشخیص مصالح و اهداف دین را داشته باشند، واگذار کرده است. پیروی از دستاویز شرعی، موجب هدایت و سعادت دنیوی و نافرمانی از آن گمراهی و شقاوت و بدبختی را در قبال دارد. الله متعال می‌فرماید: ﴿فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ

^{۸۵} ابراهیم بن موسی بن محمد اللخمی الغرناطی الشاطبی، /الاعتصام (المملكة العربية السعودية: دار ابن الجوزي للنشر والتوزيع، ۲۰۰۸ م)، ۵۰/۱، ۵۱۶/۲.

^{۸۶} الأحزاب ۲۱/۳۳.

^{۸۷} محمد ۳۳/۴۷.

وَأَبْقَى ﴿٨٨﴾ "هر کس از هدایت من پیروی کند، گمراه نشود و بدبخت نگردد و هر کس از ذکر من روی گرداند، به یقین برای او زندگی تنگ و سختی خواهد بود و او را روز قیامت نابینا محسوس می‌کنیم. گوید: پروردگارا، چرا مرا نابینا محسوس کردی در حالی که من بینا بودم؟ الله متعال می‌فرماید: همان‌گونه که آیات ما به‌سوی تو آمد و تو آن‌ها را فراموش کردی، امروز نیز تو فراموش می‌شوی؛ و بدین‌گونه ما کسی را که اسراف کرده و به آیات پروردگارش ایمان نیاورده، مجازات می‌کنیم و همانا عذاب آخرت سخت‌تر و پایدارتر است".

۴. ۱۰. پیام محفوظ و امت حفاظت شده

دین اسلام به حیث آخرین دین الله متعال، محفوظ‌ترین ادیان الهی به حساب می‌آید، چون مهم‌ترین منبع آن قرآن است، الله متعال محافظت آن را بر دوش خودش گرفته و از تغییر و تحریف محفوظش داشته است.^{۸۹} در کنار آن الله متعال امت اسلامی را امت، دعوت، جهاد و مبارزه قرار داده که آنان به ارزش‌های دینی شان بیش از همه بشریت متمسک هستند و تشخیص‌شان را در هیچ زمانی و مکانی از دست نمی‌دهند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم خبر داده است که گروهی از امتش همیشه بر عدالت و تقوی استوار خواهند ماند، ظروف زمان و مکان و امکانات آنان را از مسیرشان منحرف نخواهد کرد. {الْأَتَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ}.^{۹۰} همیشه گروهی از امت من بر حق باقی خواهند ماند تا قیامت برپا شود. مطابق عقیده اهل سنت و جماعت عصمت خاصه پیامبران است؛ اما امت اسلامی معصوم‌اند، اُحاد امت شاید به خطا بروند؛ ولی به‌طور جمعی امت اسلامی راه خلاف و معصیت را نمی‌پیماید که به معنی محفوظ بودن برنامه و منهج دین اسلامی است. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و سلم فرموده است: {لَا يَجْمَعُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ - أَوْ قَالَ أُمَّتِي - عَلَى الضَّلَالَةِ أَبَدًا، وَاتَّبِعُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّهُ مَنْ شَدَّ شَدَّ فِي النَّارِ}.^{۹۱} الله متعال هرگز این امت یا امت من را بر ضلالت و گمراهی جمع نمی‌کند و از گروه بزرگ (اکثریت) پیروی کنید؛ زیرا کسی که از اکثریت جدا شود، در آتش خواهد افتاد". ابن تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸ ه.ق) گفته است: این حدیث شریف اصلیت امت اسلامی را بیان نموده و باید به آن اعتماد داشته باشیم و آنان که خداوند سبحان این امت را معصوم کرده است که بر ضلالت اجتماع کند؛ اما افراد آن را از خطا معصوم نکرده است.^{۹۲}

^{۸۸} طه ۱۲۴/۲۰، ۱۲۷.

^{۸۹} الحجر ۹/۱۵.

^{۹۰} یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج النووی (بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۹۲ ه.ق)، ۱۳۲/۲.

^{۹۱} النیسابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۲۰۱/۱، (۳۹۱).

^{۹۲} تقی‌الدین أحمد بن عبد الحلیم ابن تیمیه، الاستقامة (المدينة المنورة: جامعة الإمام محمد بن سعود، ۱۴۰۳ ه.ق)، ۲۹۹/۱.

این اصل بیانگر حفاظت الهی از امت اسلامی به صورت کلی است که همیشه بخشی از آن بر حق باقی می‌ماند و هیچ‌گاه به‌طور جمعی در گمراهی و بیراهه نمی‌افتند.

نتیجه‌گیری

حفظ دین یکی از مهمترین مقصد از مقاصد، پنج‌گانه تشریع اسلامی است. تشریع اسلامی راهکارهای متعددی برای حفظ دین که ملاک همه نیکی‌ها و سرچشمه همه خوشبختی‌ها را وضع کرده است. حفظ دین به معنای جلوگیری از تزلزل و انحراف در آن است. بدون حفظ دین، سعادت و فلاح انسان در دنیا و آخرت ممکن نمی‌شود.

حفظ دین بر هر انسان مکلف با اقامه ارکان و واجبات آن، مانند اقامه نماز، پرداخت زکات، گرفتن روزه و ادا نمودن حج و سایر فرایض اسلام واجب است. حفظ دین از مکلفیت‌های اولیای امور به‌عنوان جانشینان پیامبر در پاسبانی از دین و سیاست دنیا است، آنان برای تطبیق احکام جمعی اسلام نزد الله تعالی و ملت اسلامی مسؤول و جوابگو اند.

از ضمانت‌های اجرایی برای حفظ دین ثبات و انعطاف‌پذیری، تشریع اسلامی، رعایت مصالح دین و دنیا، منافع افراد و جامعه و محفوظ بودن منابع تشریع اسلامی از تغییر و تحریف است.

از راه‌های حفظ دین ایجاد دین ابتداءً با ارسال رسل و انزال کتب آسمانی که حاوی راه و رسم پسندیده مورد تأیید الله تعالی است، فرستادگان الله تعالی این مأموریت و رسالت را با کمال امانت‌داری بدون کم و کاست به امت‌های‌شان رسانیده و دین را ماندگار ساختند.

عدم کتمان دین، راه حفظ دین و به معنی بیان حقیقت دین و آنچه معلوم من الدین بالضرورة است، هست و این‌که تأویلی از دین ارائه داده نشود، هیچ قاعده از قواعد دین و تفاسیر آن را تأیید نکند.

دعوت وسیله انتشار دین و یکی از ارکان اقامه و حفظ آن است. این اصل در واقع وظیفه پیامبران الله تعالی است که به همین منظور فرستاده شده‌اند.

جهاد در راه الله تعالی در کنار دیگر حکمت‌های مشروعیت آن، برای حفظ دین تشریع شده است؛ جهاد برای دفاع از دین و حمایت از گسترش دعوت اسلامی و مسلمانان مستضعف مشروع شده است.

مشروعیت و تطبیق حدود شرعی، برای حفظ دین، حدود شرعی را زاجره و رادعه می‌شمارند که باعث می‌شود، افراد از نافرمانی احکام شرعی خود را بازدارند و زمینه حفظ دین فراهم آید. تطبیق حد ارتداد، بالای بازگشتگان از دین به منظور حفظ دین و جلوگیری از اغتشاش فکری و سیاسی در جامعه است که به استقرار فکری و روانی جامعه اسلامی کمک می‌کند.

مبارزه با بدعت در دین و مقاومت در برابر بدعت گذاران برای حفظ اصل و هویت دین است تا ارزش‌های که از دین نیست به دین پیوند نخورد. دین اسلام من حیث آخرین پیام الله متعال، محفوظ‌ترین ادیان الهی به حساب می‌آید، چون مهمترین منبع آن قرآن است، الله متعال محافظت آن را بر دوش خودش گرفته و از تغییر و تحریف محفوظ داشته است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن امیر حاج، شمس الدین محمد بن محمد بن محمد. *التقریر والتحییر علی تحریر الکمال بن الهمام*. بی جا: دار الکتب العلمیة، ۱۹۸۳ م.
۲. ابن تیمیة، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم. *مجموع الفتاوی*. المملكة العربية السعودية: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، ۱۹۹۵ م.
۳. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية. *الموسوعة الفقهية الكويتية*. الكويت: دارالسلاسل الطبعة الثانية، بی تا.
۴. ابن تیمیة، تقی الدین أحمد بن عبد الحلیم. *الاستقامة*. المدينة المنورة: جامعة الإمام محمد بن سعود، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۵. ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر. *مقاصد الشريعة الإسلامية*. قطر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، ۲۰۰۴ م.
۶. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر. *تفسير القرآن العظيم*. بی جا: دار طيبة للنشر والتوزيع، ۱۹۹۹ م.
۷. أبو جعفر الطبري، محمد بن جریر، *تفسير الطبري = جامع البيان في تأويل القرآن*. بی جا: مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۰ م.
۸. أبو حامد، محمد بن محمد الغزالي الطوسي. *المستصفی*. بی جا: الکتب العلمیة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۳ هـ.ق / ۱۹۹۳ م.
۹. الأصفهانی، أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب. *المفردات في غريب القرآن*. بيروت: دار القلم، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۱۰. آل جار الله، عبد الله بن جار الله بن إبراهيم. *کمال الدین الإسلامي وحقیقته ومزایاه*. المملكة العربية السعودية: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۱۱. الألوسي، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسيني. *روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني*. بيروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۱۲. بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل، *الجامع الصحيح = صحيح البخاري*. جلد ۲. بی جا: دار طوق النجاة، چاپ دوم، ۱۴۲۲ هـ.ق.
۱۳. البغوي، أبو محمد الحسين بن مسعود. *معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي*. بی جا: دار طيبة للنشر والتوزيع، ۱۹۹۷ م.
۱۴. البضاوي، ناصر الدین أبو سعيد عبد الله بن عمر. *تفسير البضاوي = أنوار التنزيل وأسرار التأويل*. بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۱۸ هـ.ق.

۱۵. ترمذی، أبو عیسی محمد بن عیسی، سنن الترمذی جلد ۵. مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ هـ.ق / ۱۹۷۵ م.
۱۶. التهانوي، محمد بن علي. موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم. بيروت: مكتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.
۱۷. التويجري، محمد بن إبراهيم بن عبد الله. مختصر الفقه الإسلامي في ضوء القرآن والسنة. المملكة العربية السعودية: دار أصداء المجتمع، ۲۰۱۰ م.
۱۸. التويجري، محمد بن إبراهيم بن عبد الله. موسوعة الفقه الإسلامي. بی جا: بیت الأفكار الدولية، ۲۰۰۹ م.
۱۹. الجوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب. إعلام الموقعين عن رب العالمين. المملكة العربية السعودية: دار ابن الجوزي للنشر والتوزيع، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۲۰. حسام العيسوي، مقصد حفظ الدين (رؤية مقاصدية معاصرة). شبكة الالوكة تاريخ استفاده: ۱۴۰۳/۱۱/۸، ۱۳: ۵ دقيقة.
۲۱. الحنفي الرازي، محمد بن أبي بكر بن عبد القادر. مختار الصحاح. بيروت: المكتبة العصرية - الدار النموذجية، ۱۹۹۹ م.
۲۲. الخادمي، نور الدين بن مختار. علم المقاصد الشرعية. بی جا: مكتبة العيكان، ۲۰۰۱ م.
۲۳. الريسوني، أحمد. نظرية المقاصد عند الإمام الشاطبي. بی جا: الدار العالمية للكتاب الإسلامي، ۱۹۹۲ م.
۲۴. الزحيلي، محمد مصطفى. الوجيز في أصول الفقه الإسلامي. دمشق: دار الخير للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۲۷ هـ.ق / ۲۰۰۶ م.
۲۵. سابق، السيد. فقه السنة. بيروت: دار الكتاب العربي، ۱۹۷۷ م.
۲۶. السعدي، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله. تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان. بی جا: مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۰ م.
۲۷. الشاطبي، إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الغرناطي. الاعتصام. المملكة العربية السعودية: دار ابن الجوزي للنشر والتوزيع، ۲۰۰۸ م.
۲۸. الشاطبي، إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي. الموافقات. بی جا: دار ابن عفان، ۱۹۹۷ م.
۲۹. أحمد بن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل الشيباني، مسند الإمام أحمد بن حنبل. بی جا: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ هـ.ق / ۲۰۰۱ م.
۳۰. العالم، يوسف حامد. المقاصد العامة للشريعة الإسلامية. الولايات المتحدة الأمريكية: هيرندن، فرجينيا، المعهد العالمي للفكر الاسلامي، ۱۹۹۴ م.

۳۱. العباد البدر، عبد المحسن بن حمد بن عبد المحسن. شرح الأربعين النووية - العباد (بترقيم الشاملة آليا)، (دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية <http://www.islamweb.net>).
۳۲. العثيمين، محمد بن صالح بن محمد. شرح الأربعين النووية. بی جا: دار الثريا للنشر، بی تا.
۳۳. العوايشة، حسين بن عودة. الموسوعة الفقهية الميسرة في فقه الكتاب والسنة المطهرة. الأردن المكتبة الإسلامية، ۱۴۲۹ هـ.ق.
۳۴. القاري، علي بن (سلطان) محمد. مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح. بيروت: دار الفكر، ۲۰۰۲ م.
۳۵. القحطاني، أسامة بن سعيد وهمكاران. موسوعة الإجماع في الفقه الإسلامي. المملكة العربية السعودية - الرياض: دار الفضيلة للنشر والتوزيع، ۲۰۱۲ م.
۳۶. قدامة المقدسي، موفق الدين عبد الله بن أحمد. المغني لابن قدامة. مكتبة القاهرة، ۱۹۶۸ م.
۳۷. القرطبي، محمد بن أحمد بن أبي بكر. الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي. القاهرة: دار الكتب المصرية ۱۹۶۴ م.
۳۸. القزويني الرازي، أحمد بن فارس بن زكرياء أحمد بن فارس. معجم مقاييس اللغة. بی جا: دار الفكر، ۱۹۷۹ م.
۳۹. لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي. الفتاوى الهندية. بی جا: دار الفكر، ۱۳۱۰ هـ.ق.
۴۰. الماوردي، علي بن محمد بن محمد بن حبيب. الأحكام السلطانية للماوردي. القاهرة: دار الحديث، بی تا.
۴۱. مجموعة من الباحثين بإشراف الشيخ علوي بن عبد القادر السقاف. الموسوعة الفقهية - الدرر السنوية ۲۵۹ / ۳، ۱۴۳۳ هـ.ق.، (موقع الدرر السنوية على الإنترنت dorar.net).
۴۲. مجموعة من المؤلفين. الأديان والمذاهب. ماليزيا: جامعه المدينة العالمية، بی تا.
۴۳. النجدي، فيصل بن عبد العزيز بن فيصل. طرير رياض الصالحين. الرياض: دار العاصمة للنشر والتوزيع، ۲۰۰۲ م.
۴۴. النووي، يحيى بن شرف. المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج. بيروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۹۲ هـ.ق.
۴۵. النيسابوري، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله. المستدرک على الصحيحين. بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۹۹۰ م.
۴۶. مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج، الجامع الصحيح = صحيح مسلم. بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.

۴۷. الرفاعي. خالد بن عبد المنعم، الحكمة في مشروعية قتل المرتد
https://www.alukah.net/fatawa_counsels/0/14439/، تاريخ استفاده ۴/۱۱/۱۴۰۳.

ساعت ۸ بعد از ظهر.

https://binbaz.org.sa/fatwas/2322/ 48

https://www.alukah.net/fatawa_counsels/0/14439/ 49